

قدردانی وزیر ورزش و

سخنگوی وزارت خارجه

از رسانه ملی



سیده‌اشرفی دبیرگروه رسانه

تولید سریال در بستر جغرافیایی سیستان وبلوچستان، همواره با چالش‌های ریز و درشتی همراه است که «آس‌باد» را نیز نمی‌توان از این امر مستثنا دانست؛ از مدیریت لهجه محلی گرفته تاایجاد هارمونی میان بازیگران بومی و چهره‌های شناخته‌شده تهران. محمدرضا معینی، کارگردان این سریال که معتقد است فرم جذاب، کلید دیده‌شدن محتوای دراماتیک است، در گفت‌وگوی پیش‌رو از استراتژی‌هایش برای پرهیز از مستندزدگی و خلق یک اثر نمایشی باورپذیر می‌گوید. او معتقد است آس‌باد بیش از آن‌که یک پروژه معمول تلویزیونی باشد، محصول تعامل عمیق با خرده‌فرهنگ‌های غنی جنوب‌شرق ایران است. سریال آس‌باد با توجه به ضبط در بستر سیستان وبلوچستان، از همان ابتدا نوید یک اثر متفاوت را می‌داد. معینی در خصوص رسیدن به ایده این مجموعه به جام‌جم می‌گوید: از همان مراحل آغازین پیش‌تولید، برای مان روشن بود مقایسه این اثر با کارهایی که پیش یا پس از ما ساخته شده‌اند، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. اما کار ما فضای فانتزی داشت وماهیت متفاوتی را دنبال می‌کرد. من از همان اول فکر کردم که باید بیشتر از ظرفیت عمومی منطقه، به‌ویژه بازیگران بومی، برای نقش‌هایی که قرار است با لهجه زیبای سیستانی صحبت کنند، بهره بگیریم. این لهجه، شیرینی و زیبایی خاص خودش را دارد و برای ما هم از اولویت برخوردار بود. به همین خاطر می‌خواستیم برای این نقش‌ها سراغ بازیگران خوب همان منطقه برویم. شناخت خوبی که از بازیگران آنجا داشتیم، کمک کرد انتخاب‌های هوشمندانه‌ای برای نقش‌ها داشته باشیم و تا حدودی، فضای سریال برای مردم منطقه، در مقایسه با آثار دیگر، باورپذیرتر باشد.

حمایت بازیگران بومی

وی درباره حضور نیروهای بومی در کنار حرفه‌ای‌ها و چالش‌های آن نیز می‌گوید: دوستان بومی که به‌عنوان مشاوران لهجه در کنار ما بودند، کمک زیادی کردند. بیشتر مسائلی که از سوی افراد بومی مطرح می‌شد، کاملاً درست بود و مدیریت تکیه بر تجربیات این دوستان بازیگر، به من کمک کرد تا بتوانم بهتر کار را هدایت‌کنم. البته که فشار هم بود؛ وقتی بازیگرانی از جای دیگری می‌آیند و باید در مدت زمان کوتاهی خودشان را با فضای جدید و لهجه محلی وفق دهند، طبیعی است که با چالش‌هایی روبه‌رو شوند. امیدوارم در نهایت توانسته باشیم از این تجربه سربلند بیرون بیایم و از دانش و همراهی همه دوستان، چه بومی و چه غیربومی،

روز گذشته اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه از رسانه ملی تشکر کرد و در ابتدای نشست خبری خود گفت: دقیقاً دو سال از زمان سخنگویی من در دستگاه دیپلماسی می‌گذرد.

از این رو، جادارد از رسانه‌ها برای همکاری و همراهی در این مدت قدردانی کنم. همچنین به‌طور خاص از صداوسیما برای پوشش خبری منظم این نشست‌ها تشکر می‌کنم.

به‌گزارش جام‌جم، همچنین احمد دنیامالی، وزیر ورزش و جوانان روز



کارگردان سریال شبکه یک، از جزئیات تولید و مسائلی می‌گوید

که این اثر را تماشایی کرده است

برش

نویسندگی یک اثر با پیچیدگی‌های خاص

کارگردان سریال آس‌باد همچنین در خصوص همکاری با فرهاد نقد علی، نویسنده این اثر نیز بیان می‌کند: او بسیار مطالعه عمیقی روی فیلمنامه‌ای که می‌نویسد و متنی که به نگارش درمی‌آورد، دارد. همکاری با آقای نقدعلی یکی از خوبی‌های این کار بود. وقتی کلیت داستان مطرح شد، اولین کاری که کردم این بود که با ایشان قرار گذاشتم. خوشبختانه ما چندین بار نشستیم و با هم صحبت کردیم و از همان اول به نظر می‌رسید خیلی با هم هم‌عقیده هستیم. پیچیدگی‌های زیادی در ابتدا وجودداشت.

معینی درباره نشان دادن روح «دایی شیردل» هم می‌گوید: آپشن‌های زیادی وجود داشت که ما این روح‌ها را چطور نشان دهیم تا باورپذیر باشد و مسخره از آب درنیاید. همه اینها چالش‌هایی بود که باید ملاحظه می‌شد. نویسنده اثر خیلی اهل مطالعه و باسواد و عمیق هستند. شانس و سعادت من بود که ایشان به من لطف داشت. در نهایت خودشان به‌عنوان نویسنده از محصول کار راضی بودند.

به بهترین شکل بهره برده باشیم. البته همان زمان هم پیشنهادهایی مطرح می‌شد که از لهجه استفاده نکنیم، اما ما جسارت به خرج دادیم، چون به کارمان ایمان داشتیم. از همان ابتدا نیز یک مشاور لهجه در کنارمان بود.

معینی با اشاره به مرز میان مستند و آثار نمایشی و اهمیت رعایت آن در تولیدات مرتبط با استان‌ها عنوان می‌کند: وقتی یک اثر داستانی تولید می‌کنیم، باید یک مرزبندی با کار مستند داشته باشیم. پیش از هر چیز، در هر کاری که انجام

گذشته در یک برنامه زنده تلویزیونی از رسانه ملی برای پوشش بازی‌های آسیایی تشکر کرد. او گفت: باید تشکری داشته باشم از همه افرادی که در رسانه‌ها حضور داشتند؛ هرچند تعدادشان در این دوره قدری محدود شد، ولی واقعا زحمت کشیدند. شبکه ورزش و شبکه سه، باوجود همه محدودیت‌هایی که داشتند، بسیار تلاش کردند؛ به‌ویژه باتوجه به این‌که برنامه ما ساعت ۲/۵ شروع می‌شد و کار واقعا سختی بود. دنیامالی افزود: برخی مخاطبان شاید فقط دوست دارند تلویزیون را

روشن کنند و مجری‌ها را آماده ببینند، درحالی‌که این کار نیازمند یک سری سازوکارها و هماهنگی‌های قبلی است. لذا از مجموعه صداوسیما تشکر ویژه‌ای می‌کنم.

نه تنها تلویزیون بلکه بچه‌های رادیو خیلی تلاش کردند؛ من به‌جهت سابقه کار در رادیو و علاقه زیادی به این رسانه دارم، باید بگویم تحلیل‌های شان بسیار خوب بود. همچنین صداوسیما روحیه و امید فراوانی به مردم داد؛ از این رو، لازم است قدردانی خود را از رسانه ملی اعلام‌کنم.

نقش نویسنده در پوشش حساسیت‌ها

وی در خصوص چالش‌های تولید این اثر و حساس بودنش بیان می‌گوید: باید بگویم که این بخش، مربوط به نویسنده هم می‌شود که متن خوبی نوشتند و اشراف خیلی خوبی روی این موضوعات داشتند. حتی دو طایفه که با هم اختلاف عمده دارند و سر کوچک‌ترین چیز دعوا می‌کنند، کم‌کم به شکل طنز هم درمی‌آید. اما در جای‌جای قصه می‌گویند با وجود کل‌کل با هم زندگی می‌کنند. تلاش کردیم تعادل را حفظ کنیم تا هم جنبه‌های طنز کار باقی بماند و هم این مسائل مطرح‌شود.

وی با اشاره به بازی بازیگران سیستانی هم می‌گوید: این عزیزان واقعا درجه یک این کشور هستند. شاید کمتر شناخته‌شده باشند، ولی واقعا ظرایف و دقت خیلی خوبی در بازی‌شان دارند. کارگردان سریال آس‌باد درباره همفکری و نظرخواهی از بازیگران پیشکسوت نیز عنوان می‌کند: راهنمایی‌های دوستان در آنجا قطعاً اثرگذار بود. برای مثال، آقای خداداد بیگی با تجربه‌ای که داشتند، به‌ویژه در زمینه لهجه، نقش مؤثری ایفا کردند. در بسیاری از موارد نیز به‌عنوان مشاور در کنارمان بودند. حتی وقتی سؤالی مطرح می‌شد، چون واقعا این مسائل فرهنگی، از لباس گرفته تا خرده‌فرهنگ‌ها، خیلی پیچیده است و همه یک جواب واحد ندارند وزن فردی مثل آقای خداداد بیگی برای من مهم بود که درباره برخی مسائل نظر ایشان را جویا شوم. چون سال‌ها درکارهای فرهنگی‌هنری هم‌بوده‌اند و اشراف کامل به منطقه دارند. ضمن این‌که در چنین کارهایی، هماهنگ‌کردن بازی بازیگران غیربومی و محلی با یکدیگر هم چالش دیگری است تا بازی هیچ‌کدام از آنها بیرون نزنند. خوشبختانه آنچه در این اثر می‌بینیم، یک‌دستی اجراهاست؛ بخشی از گروه را هنرمندان ملی و بخشی دیگر را بازیگران استانی تشکیل می‌دهند. معینی در این‌باره می‌گوید: وقتی کسی پشت ماینیتور و در جایگاه کارگردان قرار می‌گیرد و بازی را می‌بیند، قضاوتش بر اساس تجربه زیسته خودش شکل می‌گیرد و ممکن است بازی را ببسند یا نپسندد. در نهایت، کارگردان تجربه‌هایی را که از کارهای قبلی خود به دست آورد، وارد اثر می‌کند. یعنی می‌تواند تشخیص دهد که کجا بازی درست است و کجا نیست. کارگردان این را باید در ذهن داشته باشد و چیزی فراتر از توان بازیگر از او نخواهد. یعنی مثلاً اگر بازیگر تهرانی است، انتظار نداشته باشد لهجه زاهدانی را مثل خود مردم آن منطقه و به خوبی صحبت کند؛ قطعاً شدنی نیست و من باید فکر دیگری کنم و او را در این موقعیت قرار ندهم که خلاقیتش از بین برود. تلاش کردیم این هماهنگی را ایجاد کنیم تا بازی‌ها با یکدیگر هارمونی داشته باشند.

وی در خصوص امضای کارگردانی خود در این اثر نیز بیان می‌کند: من واقعا اگر به قابی که می‌خواهم نرسیده باشم، آن شب خواب نمی‌برد. البته گاهی هم به وسواس کشیده می‌شود. مثلاً آن در بزرگ را که آنجا برای «آسیاب» گذاشتیم، عقب‌تر بود یا جلوتر، واقعا مهم بود. گاهی خودم احساس می‌کنم دچار وسواس شده‌ام و دیگران ممکن است اذیت شوند. ولی در کار، واقعا این اتفاق افتاده و کمک کرده است. فیلمبردار خیلی خوبی ما داشتیم؛ آقای رجایی مقدم که خیلی همراه بودند. ما مشترکات زیادی داشتیم و در کار به نقطه‌نظرات مشترک رسیدیم. این خیلی برای من اهمیت دارد. من زیاد تدوین انجام داده‌ام و معمولاً کارهایم را هم خودم تدوین می‌کنم؛ اما در این مجموعه آقای گورانی خیلی حرفه‌ای عمل کردند و زحمت زیادی کشیدند.

نکته جالب دیگر درباره سریال آس‌باد، پرداختن به موضوع اوتیسم از

طریق خلق شخصیت یک نوجوان است. وی در این خصوص عنوان می‌کند: ملاحظه ما این بود مساله اوتیسم را به‌گونه‌ای مطرح کنیم که

نه از قصه اصلی دور شود و نه غیرطبیعی به نظر برسد. مرز باریکی بود تا

کاراکتری را به نمایش بگذاریم که اوتیسم دارد و دوست‌داشتنی است و

درعین حال بازی‌اش، کار را از ریتم نمی‌اندازد.

انجام می‌دهیم باید حواس‌مان باشد که در حال تعریف یک «قصه» هستیم. در لایه بالاتر، اگر حرفی برای گفتن داریم، باید آن را در دل روایت بگنجانیم و در لایه‌های زیرین نیز موضوعات دیگری را مطرح کنیم تا مخاطب از آنها بهره ببرد. اتمسفر کار هم بسیار مهم است و برای من بسیار اهمیت داشت. اما به شرطی که قصه را خوب تعریف کرده باشیم. گاهی کارهایی که مناسبی یا مرتبط با استان‌های پرجاذبه هستند، محتوا را بر فرم ارجح می‌دانند؛ اما ما کار داستانی و نمایشی

ویژه

رادیوورزش بانوان؛ از تردید تا جریان‌سازی

مدیر رادیوورزش بانوان از تلاش گزارشگران زن برای عبور از محدودیت‌های تصویری و استعدادیابی در استان‌ها می‌گوید



نظر می‌رسد این نگاه مردانه در آن دوره بیشتر رواج داشت و شاید این تصور مطرح نبود که می‌توانیم مسابقات دختران و زنان را در رشته‌هایی که امروز مورد توجه مخاطبان هستند، به طور کامل گزارش کنیم.

رستمی درباره میزان تأثیرگذاری این رسانه و امکان اطلاق عنوان «رسانه بزرگ» به آن تصریح می‌کند؛ شاید درحال حاضر استفاده از عنوان «رسانه بزرگ» برای این مجموعه کمی زود باشد. یک رسانه بزرگ برای فعالیت گسترده نیازمند محل پخش و زیرساخت‌های مشخصی است و از نظر امکانات مالی و ساختاری نیز باید ویژگی‌های مشخص رسانه‌ای را داشته باشد. ما هنوز نتوانسته‌ایم موج مستقل خود را دریافت کنیم. البته درحال حاضر پلتفرم «ایرانصد» را داریم و در کنار آن از حمایت رادیوورزش نیز برخوردار هستیم. نمی‌گویم پلتفرم ایرانصد مهم نیست، اما به‌هرحال ما رادیو هستیم و علاوه بر

نیروهای ما کم است. برای مثال نیرویی برای فعالیت در فضای مجازی نداریم و در بخش تخصصی بانوان مجبوریم دوباره از رادیوورزش کمک بگیریم. خود را رادیوورزش یک شبکه ۲۴ ساعته است که حجم زیادی از تولیدمحتوا و خبر دارد و به همین دلیل از نظر نیروی انسانی تا حدودی دست ما بسته است.

وی در ادامه، با اشاره به جذابیت رقابت‌های ملی، اظهار می‌کند: وقتی مسابقه ملی و پای پرچم و نام کشور در میان باشد، دیگر تفاوتی میان حضور یک ورزشکار مرد یا زن در رقابت وجود ندارد.

امروز ما بسیاری از قهرمانان زن کشورمان برای مردم شناخته‌شده است و سهم دختران ورزشکار از مدال‌آوری و اعزاز‌ها با مردان برابری می‌کند و حتی در برخی رشته‌ها بیشتر است؛ بنابراین در این بخش دیگر موضوع جنسیتی نیست.

مدیر رادیوورزش بانوان درباره کمبود گزارشگر و برنامه‌های آموزشی بیان می‌کند: نیاز به گزارشگران جدید به‌شدت احساس می‌شود. نظر شخصی من این است که اگر دوستان از جامعه ورزش یا از میان خبرنگاران حرفه‌ای حوزه ورزش باشند کار ما راحت‌تر خواهد بود، زیرا این افراد با رشته ورزشی و تخصص آن آشنایی دارند و در مرحله بعد می‌توان روی صدای فرد کار کرد و تست گرفت. رشته‌های ورزشی متعدد هستند و حتماً باید افرادی در کنار گزارشگران فعلی تربیت شوند تا بتوانیم تعداد گزارشگران را افزایش دهیم. این موضوع به‌ویژه در شهرستان‌ها اهمیت بیشتری دارد، زیرا بودجه‌ها

محدود است و نمی‌توان مانند آقایان

گزارشگر را از تهران اعزام کرد. ترجیح ما این است که با نگاه تمرکززدایی در اهالی فن و استادان گزارشگری نیز دریافت کرده‌ایم. وی نقاط ضعف عملکردی مجموعه را چنین تشریح می‌کند و می‌افزاید: به نظر من تنها نقاط ضعف ما در دو بخش است؛ یکی مساله محل پخش و دیگری نیروی انسانی. اگر یک موج افام مستقل داشتیم شرایط متفاوت بود. از سوی دیگر تعداد



متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید

رسانه

MEDIA

دوشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۵ شماره ۷۴۳۴

یادداشت

محمد صادقی پور ادبیر کارگروه تاریخ اسلام وایران صداوسیما

عبور از خیال‌پردازی تا حقیقت تاریخی

سال‌هاست وقتی پای ساخت مجموعه‌های نمایشی تاریخی به میان می‌آید، یک پرسش کهنه اما بی‌پاسخ در محافل نقد هنری شنیده می‌شود؛ این‌که آیا آثارهای پرهزینه تلویزیونی، روی شانه‌های پژوهشی استوار ایستاده‌اند یا صرفاً حاصل ذوق و تخیل نویسندگانی هستند که تاریخ را تا سطح سلايق فردی تقلیل داده‌اند؟ راه رفتن روی لبه تیغ تاریخ و نمایش، همواره کار دشواری بوده است. غلبه نگاه خشک آکادمیک، اثر را از حس و نبض درام تهی می‌کند و از آن سو، پر و بال دادن بی‌محبا به تخیل، سندیت و اصالت رویدادها را به مسلخ می‌برد. افق پیش روی کارگروه تاریخ اسلام و ایران در رسانه ملی نشان می‌دهد قرار است فاصله میان باگانی‌های خاک‌گرفته پژوهش با میر کار فیلم‌نامه‌نویسان، از طریق یک نقشه‌راه مهندسی‌شده و جامع پر شود.

شاید اساسی‌ترین دردی که سال‌ها پیکره متون نمایشی ما را رنج می‌داد، فقدان یک عقبه فکری و نظری آماده بود؛ نویسنده‌ای که باید هم‌زمان درام بنویسد، شخصیت خلق کند و دیالوگ بپرواند، به‌ناچار مجبور می‌شد به‌تنهایی در میان صدها جلد کتاب کهن به جست‌وجوی داده‌های تاریخ پردرزد؛ کاری فرساینده که در نهایت به تحریف‌های ناخواسته یا تکرار کلیشه‌های دمدستی می‌انجامید اما امروز ریل‌گذاری جدید این کارگروه، حکایت از تدوین متون بنیادینی دارد که دقیقاً با منطق تصویر و درام استخراج شده‌اند. پرداختن به برگ‌های زرین و ناگفته‌ای چون نقش پیشگام نخبگان ایرانی مسلمان در یمن، واکاوی دیپلماسی توحیدی و الگوی زیست مومنانه جعفر بن ابیطالب در مهاجرت به حبشه و فرآوری ظرفیت‌های حماسی و امنیتی دوره غیبت صغری با محوریت شبکه پیچیده و سری وکلای ائمه گواه این مدناسعت، رسانه ملی با دست گذاشتن روی این مضامین و در کنار آن، بازخوانی پیوند تمدنی ایران و اسلام درآیین تفساسیر پیرامون شخصیت سلمان فارسی و حتی روایت شکوهمند ساماندهی نظام سلامت و اخلاق پزشکی در بستر بیمارستان عضدی عصر آل‌بویه، در پی آن است آن که مواد اولیه غنی و دست‌نخورده‌ای پیش روی ذهن خلاق فیلمسازان بگذارد تا از دل آن، آثاری استخوان‌دار و بین‌المللی متولد‌شود.

اما تولید این متون مستند، تنها نیمی از مسیر است. گره دیگر فراتر تولید، مواجهه سازمان با طرح‌های خامی بود که میان راهروهای اداری معطل می‌مانند و نهایتاً با پاسخی سلبی مانند «رد شد» یا «تصویب شد» به پایان می‌رسیدند. در ساختار نوین کارگروه، داوری طرح‌ها به یک جراحی علمی و پژوهش تطبیقی متصل شده‌است؛ جریانی زنده‌که نه‌برای مسدودکردن انطباق با منظومه فکری امامین انقلاب به خط تولید نرسد. نقطه اوج و جسورانه‌ترین فصل این منظومه، بربشک ورود به عرصه پرمنافشه و استراتژیک «سند جامع راهبردی تاریخ ایران باستان» است؛ جغرافیایی که سال‌ها میدان جولان جنگ شناختی رسانه‌های غربی از یک سو و باستانگرایی افراطی و نژادپرستانه عصر پهلوی از سوی دیگر بوده است. سال‌ها دستگاه‌های تبلیغاتی استعماری کوشیدند با ساخت آثاری چون «۳۰۰» و «اسکندر»، تصویری بدوی و خشن از تمدن ما ارائه دهند و در داخل نیز با بازتولید دوگانه‌های دروغین «عرب و عجم» یا «ایران و اسلام» شکافی عمیق میان هویت ملی و باورهای دینی ایرانیان بتراشند. این سند کلان با شکستن چنین فضاسازی‌هایی، از شاهنامه حکیم فردوسی به‌عنوان مهم‌ترین آشخور خردورزانه و اخلاقی هویت ایرانی. شیعی یاد می‌کند که تاروپود آن با معارف توحیدی درهم‌تنیده‌است. بازخوانی تبار تمدن‌های پیش از هخامنشیان تا اشکانیان و ساسانیان و واکاوی نام و جایگاه اقوام ایرانی در تفساسیر فریقین و عصر نبوی، این حقیقت تاریخی را پیش چشم می‌گذارد که رویکرد ایرانیان به اسلام، روندی کاملاً آگاهانه، عقلانی و برخاسته از عطش عدالت‌خواهی در برابر استبداد و شکاف‌های طبقاتی و اواخر عصر باستان بوده است، نه روایتی شکست‌خورده که زیر سایه شمشیر تحمیل شده باشد.



متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید